

فرهنگ و هنر

ناصر فکوهی

با پیشگفتاری از سودابه فضایی

انتشارات تخصصی هنر،
معماری و شهرسازی

کتابخانه

فکوهی، ناصر، ۱۳۳۵ -

فرهنگ اوهام / ناصر فکوهی؛ [عکس‌ها از ویوین مایر]؛ با پیشگفتاری از سودابه فضائی.

مشهد: کتابکده کسری؛ ۱۳۹۸.

۱۲۰ ص. : مصور.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۵۰۹-۹۹-۰۰

فهرست نویسی: فیبا

موضوع: نثر فارسی — قرن ۱۴ Persian prose literature — 20th century

Hallucinations and illusions موضوع: وهم و خیال

Hallucinations and illusions in literature موضوع: وهم و خیال در ادبیات

Maier, Vivian, 1926-2009 شناسه افزوده: مایر، ویوین، ۱۹۲۶-۲۰۰۹ م. عکاس

Maier, Vivian, 1926-2009 شناسه افزوده: فضایی، سودابه، ۱۳۳۶ - مقدم‌نویس

PIRA۱۶۹/ک۹ رده بندی کنگره:

۸۴۸/۶۲ رده بندی دیویی:

شماره کتابشناسی ملی: ۵۶۱۱۰۰۲

فرهنگ اوهام

ناصر فکوهی

(استاد انسان‌شناسی دانشگاه تهران)

(مدیر مؤسسه انسان‌شناسی و فرهنگ)

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۸

شمارگان: ۵۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۵۰۹-۹۹-۰۰



انتشارات: کتابکده کسری

نشانی: مشهد فلسطین ۱۴ پلاک ۱۰ تلفن: ۰۵۱ ۴۷۰۰۱۹

وبسایت و فروشگاه اینترنتی: www.kasrapublishing.ir

باهمکاری انتشارات انسان‌شناسی

کلیه حقوق چاپ و نشر این کتاب برای انتشارات کتابکده کسری محفوظ است. هر گونه تکرار و کپی‌برداری و تکثیر اعم از نسخه کاغذی و دیجیتال و... از تمام یا بخشی از این کتاب ممنوع و موجب پیگرد حانونی است.

مرکز پخش: کتابکده کسری

تلفن: ۰۵۱ ۳۸۴۳۵۳۱ همراه: ۰۹۱۵ ۵۱۲ ۴۳۱۹

۶۵.....	سرمایه	۹.....	پیشگفتاری از سودابه فضایی
۶۷.....	شب	۱۳.....	درباره ویوین مایر
۶۹.....	شکل ها	۱۵.....	آنچه باید پیشگفتاری می بود
۷۱.....	شکنتجه	۱۷.....	آب
۷۳.....	شمس پرنده	۱۹.....	آفتاب
۷۵.....	شهرت	۲۱.....	آسفالت
۷۷.....	صدا	۲۳.....	اتوبوس
۷۹.....	عرفان	۲۵.....	احساس زندگی
۸۱.....	عشق	۲۷.....	انسان بودگی
۸۳.....	عکس	۲۹.....	اوکتاویوپاز
۸۵.....	کتاب	۳۱.....	پاریس
۸۷.....	کمر بند	۳۳.....	پایان جهان
۸۹.....	کودکی	۳۵.....	پرواز
۹۱.....	گورستان	۳۷.....	پوست
۹۳.....	لباس	۳۹.....	تبلیغات
۹۵.....	لذت	۴۱.....	جنگل
۹۷.....	لندن	۴۳.....	چوبه دار
۹۹.....	متر	۴۵.....	خانواده
۱۰۱.....	محل	۴۷.....	خواب
۱۰۳.....	مردانگی	۴۹.....	داروها
۱۰۵.....	مرگ	۵۱.....	درخت
۱۰۷.....	موزه ها	۵۳.....	درد
۱۰۹.....	نوشتن	۵۵.....	دشمنی
۱۱۱.....	وودی آلن	۵۷.....	دوزخ
۱۱۳.....	هذیان	۵۹.....	دوستی
۱۱۵.....	یونان	۶۱.....	دیوید لینچ
۱۱۷.....	پایانی که پایان نیست	۶۳.....	زمان

عکس ها: ویوین مایر

اول سراسر مرگ و آخرامیدی لرزان

زندگی در احساس ما مرده؛ خشونت، کشتن و بی رحمی؛ پاریس، همذات با صادق هدایت و خودکشی اش، لذتی بی پایان. رنج گسترده، کاش در رود سن می مردند و جهان به پایان می بردند و مرگ. لندن تاریک و پراز اشباح، اما زبان کودکی است که در فوتون فیلم ها دیده می شود، انعکاسی از واقعیت، نه خود واقعیت. پرواز، نفی بدن است؛ باسی که در حش نداریم. پرواز، زیبایی از دست رفته ای است در کالبدی که زشتی اش خیالی بیش نبوده؛ واداسخ گفت: از پوست، درد کشیدن پوست، از خودبی خود شدن پوست؛ این پوستی که مرز ما با خودمان و با جهان است. رسکوتی مرگ بار و پهراس، پوست و مرگ؛ از جنگل مگویید از این نقطه ی وهم بار که همه ی درخت هایش، رن کاغذزبانه می شوند؛ و یا ارتباط ما با آب چون که روزی ماهی بوده ایم و آب های زندگی را ترک کریم؛ رن، روزی بهشتی بوده ایم و امروز کویری سوخته؛ از همین است که آفتاب همراه با سیاهی مطلق و آوری است و یا آسفالت دور شدن از طبیعت بکر. از همین است که آسفالت، خاک را به مرگ محکوم کرده؛ و اتوبوس ها از بهنم خاموش، بهشتی فراموش شده. از اتوبوس پیاده می شوند تا به دوزخ بروند؛ اتوبوس خلاء زندگی سیزیفوس. به سوار و پیاده شدن است.

این همه مرگ و نومیدی در کوه نوشت های ناصر فکوهی رخ می نماید؛ این انسان شناس پرتوان و همیشه امیدوار که در کتاب ها و درس هایش انسان را نامیرا و مظهر آروفت می بیند، چگونه است که در او هام خود، کاری می کند که به حوزه ی عقل نمی گنجد؛ زیرا یک از جنبه های شناخته و انتهای دیگر ناشناخته است. او هام او چیزی را در بر می گیرد که از ما پنهان بوده و ورا ی در آینه ی طبق قرار گرفته. این او هام از ناخود آگاه او بیرون جوشیده تا نامرئی را مرئی کند. این وهم پردازی بر آن است که با بیانی صیقلی برخی از واقعیت های پنهان را برملا سازد.

در تعریف وهم گفته شده «رفتن دل به سوی چیزی بی قصد». آیا فکوهی در او هام خود بدون قصد دل به این سوی رفته یا آگاهانه پرده از ماجرای درونی برداشته؟ آیا او هام او در میدان قوه ی وهمیه می گنجد؟ آیا او هام فکوهی همان مفهومی را از یک حس باطنی القاء می کند که شأن آن ادراک معانی جزئیة در محسوسات است. چرا که همین قوه است که دستور می دهد گوسفند از گرگ بگریزد.

آیا فکوهی در اوهام خود از گرگ گریخته یا بی‌هراس از پوزه‌ی گرگ سخن گفته تا گوسفندان بدانند. و هم به جانوری که سرشیر و بدن بیر و دم مار دارد هم اطلاق می‌شود. به‌گونه‌ای شبیه به خیمایرا (شیمر) است که در اساطیر یونان سری چون شیر بدنی چون بز و دم از مار دارد و شعله‌ی آتش از دهانش بیرون می‌جهد و اراضی را ویران می‌کند و گله‌ها را می‌رباید. خیمایرا نماد وهم و خیال باطل است؛ اما اوهام فکوهی گر آتش می‌زند برای علنی کردن معانی جزیی و پنهانی است که مغفول مانده؛ و نزدیک است به یا بارهم در اساطیر هندو که به معنای قدرت مافوق طبیعت و یا مهارت بسیار است. فکوهی دوست دارد به همان حال برود که دشمنانش رفتند تا شاید آن کودکی که اینهمه دلش می‌خواسته بازی کند و اینک برآمده باشد، بتواند همچنان بازی کند؛ و جلوی صحنه بیاورد و به تماشاگران تعظیم کند؛ به کسانی که طاقت آن ندارند به انتها بازی را ببینند؛ اما همه می‌دانیم که این داستان پایان ندارد.

س.ف. / تهران- آبان ۱۳۹۶